جايگاه نوروز در فرهنگ اهل بيت(ع(

جعفر وفا

اشاره‏

فرد يا جامعه مکتبي، در مواجهه با مسائل و آداب و سنن جاري جامعه موظف است‏با موازين مذهبي موضع‏گيري کند نه از روي هوا و هوس و به دلخواه خود. عيد نوروز ازموضوعات مهم اجتماعي است که ديرزماني است در ايران اسلامي ردّ پاي آشکاري‏دارد. اکنون بايد ديد موضع اسلام در اين باره چيست و آيا مي‏توان در فرهنگ ديني‏جايگاه مناسبي بر آن يافت و پيشوايان معصوم(ع) در اين باره چه سياستي داشتند؟

1. پيدايش (عيد نوروز)

عيد نوروز برگرفته از دو عامل نوگرايي و سنت‏گرايي است:

1 - 1. نوگرايي‏

انسان فطرتاً تنوع‏طلب است، هم در حوزه انديشه و تفکر، هم در حوزه‏جسم و تن مادّي و هم در امور اجتماعي. بدين معنا که تجددطلبي و نوگرايي‏يک امر ذاتي انسان و جامعه ا ست. آدمي از زندگي يک‏نواخت خسته مي‏شود ودوست مي‏دارد که فضاي زندگي او، هر چند به مدت کوتاه تغيير يابد و صحنه‏جديدي پيش آيد. انسان و به تبع آن جامعه با وضعيت جديدي که به خودمي‏گيرد، گويي، تجديد قوا مي‏کند با رغبت و اشتياق بيشتري وارد عرصه زندگي‏مي‏شود.

انسان با درک فطري خود، هنگامي که مي‏بيند پاييز و زمستان، به تدريج،جهان طبيعت را فرسوده کرد و به اوج پيري رساند و آن را به بستر سفيد بيماري‏نشاند. و هر نوع طراوت و شادابي را از جان طبيعت گرفت، ولي با فرا رسيدن‏فصل بهار، زمين حيات خود را بازيافت و روح تازه بر آن دميده شد و طبيعت‏مُرده، زنده گشت. انسان هم به مقتضاي فطرت خود، با طبيعت هماهنگ شد ودر زندگي خود تجديد نظر کرد، و پُر طراوت و مسرور گشت و شادمانه به‏استقبال روز نو رفت. و همين پديده به تکرار سال، تکرار و به نسل بعدي منتقل‏شد و سرانجام در قالب (عيد نوروز) جزو فرهنگ مردم گرديد که هر سال به‏صورت نهال ريشه‏دار و پر ساق و برگ، اعلان موجوديت مي‏کند.

و اين نخستين آموزش انسان از طبيعت نبود، بلکه او از روزهاي آغازين‏زندگي با مظاهر طبيعت همراه و هماهنگ شد و رنگ و خاصيّت طبيعت را به‏خود گرفت. براي اولين بار قابيل روش خاکسپاري موجودات مرده را از زاغ‏آموخت،[1] و نسل‏هاي بعدي خدايان ذهني و تخيّلي خود را با شکل خورشيدو ماه و ستاره تطبيق دادند و حتي بتهاي خود را به نام انواع جانوران ساختند وگاهي آنها را عقاب و شير نهادند و... .[2]

1 - 2. سنت‏گرايي‏

ارج نهادن به روشها و انديشه‏هاي نياکان گذشته، در فرهنگ مردم، نوعي‏ارزش تلقي مي‏شود. آداب و رسومي که از قديم الايام در جامعه ريشه‏دار شده،نسل نو، مي‏کوشد آنها را همچنان زنده نگه دارد گويا با فطرت و عقل طبيعي‏خود، دريافته است که گذشته‏گرايي و احياي سنت‏هاي پيشينيان، احياي نام وياد نياکان و ارزش‏شناسي و قدرداني ره‏آورد آنهاست. بي‏شک عيد نوروز ازسنتهاي گذشتگان اين مرز و بوم است و مردم اين سرزمين هم دوست مي‏دارنداين سنّت همچنان زنده بماند.

اينک بايد ديد روي کرد معالم ديني در مورد فطرت‏گرايي و سنت‏گرايي‏انسان چيست؟ آيا هر نوع گرايش فطري و گذشته‏گرايي انسان را تأييد مي‏کند واصولاً ملاک اسلام در حرمت نهادن به سنتهاي اجتماعي چيست؟

مبناي سياست اسلامي در سنن اجتماعي‏

سياست فرهنگي اسلام، سنّت‏شکني نيست؛ بدين معنا که بساط آداب وسنن اجتماعي و آثار فرهنگي، نسل‏هاي گذشته را بکلّي برچيند.

بلکه سياست اسلام، در ارتباط با فرهنگ ملّي مردم و آداب و آثار گذشته‏آنان بر سه محور استوار است: سياست تأييدي، تعطيلي و تعديلي.

الف. سياست تأييدي: اگر اسلام، سنّتي را مطابق عقل و فطرت يافت وتضادّي ميان آنها و برنامه‏هاي خود، نيافت مهر تأييد بر آن مي‏زند. چون ميان‏يافته‏هاي فطري و عقلاني انسان و دستورات وحياني اسلام، نوعي انطباق وهماهنگي وجود دارد که به قاعده (ملازمه عقليه) مشهور است:

کُلَّما حَکَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَکَمَ بِهِ الشَّرْعُ وَ کُلَّما حَکَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَکَمَ بِهِ الْعَقْلُ.[3]

هر چيزي که عقل بر آن حکم مي‏کند شرع هم به آن حکم مي‏کند و هر چيزي که‏شرع به آن حکم مي‏کند عقل هم به آن حکم مي‏کند.

بر اين اساس، آيين اسلام، برخي از آداب و سنن جوامع قبل از اسلام را موردتأييد قرار داد همانند:

الف. حرمت ماه‏هاي حرام، که اسلام آن قرار داد دوران جاهلي را محترم‏شمرد و به پيروانش دستور داد تا در اين چهار ماه - رجب، ذي‏قعده، ذي‏الحجة ومحرم - دست از قتال بشويند و شمشير خود غلاف کنند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللّهِ وَلاَ الشَّهْرَ الْحَرَامَ. (مائده: 2)

ب. پرداخت ديه به مقدار صد شتر،

ج. طواف به دور خانه خدا،

ه . دفن ميّت رو به سوي کعبه و قبله‏گاه مسلمانان،

و. اختصاص ثلث مال به مراسم خاص متوفّي طبق وصيت خودش.[4]

هر يک از آنها ريشه در آداب و رسوم جاهليت داشته ولي چون موافق‏معيارهاي مکتبي و الهي بوده است. اسلام آنها را احصاء نموده و جزو آموزه‏هاي‏خود ساخته است.

ب. سياست تعطيلي: اگر سنت قومي را فسادآميز، خرافي، مخالف فطرت‏سليم و مصلحت مردم يافت رواج و روند آن را تعطيل و از فرهنگ مردم حذف‏مي‏کند که مي‏توان از اين نمونه‏ها نام برد:

1. مخالفت با حمل و همراه ساختن (صليب) به هر شکل ممکن: رسول خداروزي عديّ بن حاتم را ديد که صليب به گردن دارد فرمود: (اين بت را کناربگذار.)

2. مخالفت با محرم بودن همسر پسرخوانده: در اين راستا پيامبر اسلام(ص) با زينب همسر زيد (پسر خوانده خود) ازدواج کرد تا نشان دهد، اين سنّت‏جاهلي که (نمي‏توان با زن پسر خوانده ازدواج کرد) نادرست است و نبايد درميان مسلمانان رواج يابد.[5]

ج. سياست تعديلي: برخي از آداب و رسومي که آميخته به حق و باطل است‏و بخشهايي از آن ممدوح و مطلوب اسلام است و بخشهايي از آن نادرست و خرافي‏است. آن را تعديل مي‏کند مانند: ممنوعيت شرکت زنان حائض در مراسم‏مذهبي. که از سنن دوره جاهليت بوده به آن اعتدال بخشيد و زنان را مجاز به‏شرکت در مراسم مذهبي شناخت و تنها از ورود به مساجد و مشاهد مشرفه وقرائت قرآن و اقامه نماز ممنوع کرد و معذور دانست و اين سنت را تعديل نمود.

مراسم عيد نوروز را مي‏توان در رديف اين مقوله‏ها دانست. با اين تقرير که‏نوروز گرچه خاستگاه مکتبي ندارد بلکه پيش از ظهور اسلام، در ايران قديم‏رسميت داشته است، ولي با نظر خصيصه‏هاي مثبت آن و با نظر به انطباق اصل‏پيدايش آن با فطرت آدمي و با نظر به عدم تنافي و تضادّ بين آن و موازين عيد وشادماني مي‏توان گفت که اسلام مخالفتي با ايام نوروز و مراسم معمول آن‏ندارد.

2. موازين نوروز

با دقت در آيات قرآن، و سيره و سنّت هر يک از پيشوايان ديني وتوصيه‏هاي آنان در ارتباط با فرا رسيدن فصل بهار، مي‏توان موازين ومعيارهايي را براي ارزيابي نوروز استفاده و برداشت نمود. از جمله:

الف. دريافت و مقايسه طبيعت با رستاخيز؛ در قرآن به صراحت آمده است:

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ رِزْقاً لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً کَذلِکَ الْخُرُوجُ.

(ق: 11 - 10)

و خرماهاي بُن بلند را که ميوه‏ها بر هم نشانده دارند تا روزي بندگان باشد و بدان‏آب سرزمين مرده را زنده کرديم و اين چنين است بيرون آمدن ]مردم از گور[.

ب. يادآوري قيامت و آخرت؛ چنانکه پيامبر اسلام فرمودند:

اِذا رَأَيْتُمُ الرَّبيعَ فَاَکْثِرُوا ذِکْرَ النُّشُورِ.[6]

هرگاه فصل بهار را ديديد قيامت و حيات برزخي را بيشتر به ياد بياوريد.

ج. پرهيز از گناه؛ اين سخن صريح اميرالمؤمنين(ع) است که فرمود:

... وَ کُلَّ يَوْمٍ لانَعْصِي اللّهَ فيهِ فَهُوَ يَومُ عَيدٍ.[7]

و هر روزي که ما نافرماني خدا نکنيم آن روز، عيد است.

د. دوري از آتش خشم خدا: گرچه حشر و نشر با مردم، و شرکت در اجتماعات‏آنان، امر مهم محسوب مي‏شود ولي نه به قيمت جذب آتش دوزخ، چنانکه امام‏حسن مجتبي(ع) مي‏فرمايد:

حَشْرُ مَعَ النّاسِ عيدٌ وَ هَلْ حَشْرٌ مَعَ النّاسِ اِلَي النّارِ عِيدٌ.[8]

نشست و برخاست و رفت و آمد با مردم، نوعي عيد در حساب است و آيا حشر ونشر با مردم که آدمي را به برزخ فرامي‏خواند، باز هم عيد است؟!

پس عيد نبايد زمينه‏ساز آتش دوزخ باشد.

ه . احياي امر ائمه؛ ائمه پيوسته توصيه مي‏کردند که پيروانشان براي ديد وبازديد به خانه‏هاي همديگر بروند و به ديدار آنها در محل کار و مدرسه و دانشگاه‏بسنده نکنند. و اين نوع اجتماعات را نوعي احياي امر خودشان تلقي مي‏کردند.امام صادق(ع) فرمودند:

... وَ اَنْ يَتَلاقُوا في بُيُوتِهِمْ فَاِنَّ لِقاءَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً في بُيُوتِهِمْ حَيواةٌ لِاَمْرِنا.[9]

خيثمه، به ياران ما سلام برسان و بگو: (همديگر را در خانه‏هاي خود، ديدارکنند زيرا که زيارت آنها از همديگر، سبب احياي مجدد امر ما مي‏شود و امر آنها،تبادل گفتار و بيان روايات آنهاست.

و. همايش ايماني مردم: اسلام به اجتماع، و تشکّل مسلمانان و معاشرت وزندگي جمعي و منسجم، در کنار هم بودن و به هم پيوستن و به ويژه به صله ارحام وبا خويشان خود، در رفت و آمد بودن اهميت خاصّي قائل است. امامان شيعه،شيعيان خود را براي تشکيل نشستهاي جمعي فرامي‏خواندند ولي بنيان اصلي‏گردهمايي را ايمان و تقوا مي‏دانستند و بر اين امر تأکيد داشتند که اين نشستها، تازماني ارزش ديني محسوب مي‏شود که بر پايه معنويت و هدف مثبت، انجام‏گيرد. براي نمونه: (ميسر) يکي از ياران امام ششم(ع) مي‏گويد: امام‏صادق(ع) به من فرمودند:

آيا شما - شيعيان - با هم خلوت مي‏کنيد و با يکديگر در موضوعات که دوست‏مي‏داريد به گفتگو مي‏پردازيد؟ گفتم آري به خدا ما در کنار هم مي‏نشينيم و به دور ازديد و نظر بيگانگان، با هم حرف مي‏زنيم. حضرت فرمود:

أما وَاللّه لَوَدَدْتُ أنّي مَعَکُمْ في بَعْضِ تِلْکَ الْمَواطِنِ، اَما وَاللّه اِنّي لَاُحِبُّ ريحَکُمْ وَاَرْواحَکُمْ، وَ انَّکُمْ عَلي دينِ اللّهِ وَ دينِ مَلائِکتِه فَاَعْينُوني بِوَرَعٍ وَ اِجْتِهاد.[10]

به هوش! به خدا سوگند دوست مي‏دارم که در بعضي از جاها با شما باشم. من به‏يقين قدرت و توان و نيز معنويات شما را دوست دارم و شما در دين خدا و ملائکه خداهستيد. شما هم مرا با تقوا و پرهيزکاري ياريم کنيد.

معيارهاي ششگانه‏اي که براي (عيدها) و شادماني‏هاي ممدوح و موردپسند اهل بيت(ع) برشمرديم. مي‏توان حداقل اکثر آنها را با ايام نوروزانطباق داد زيرا که بخش عظيمي از خواسته‏ها و هدفهاي اسلام عملي مي‏شود.مردم با ديدن بهار و شکوفه طبيعت به ياد قدرت خدا و خلقت او و همچنين به‏ياد آفرينش مجدد در قيامت مي‏افتند و طبيعي است کسي که توحيد و معاد رادر دل خود جاي دهد، به انواع گناه و فساد و... کمتر آلوده مي‏شود و از دوزخ و ازآتش خشم خدا دوري مي‏جويد. در اين ايام مردم با اجتماعات و گردهمايي درخانه‏هاي همديگر، صله ارحام به جاي مي‏آورند و ديد و بازديدها تازه مي‏شود وبا بحثهاي ديني که طبعاً در همايش‏هاي خانگي صورت مي‏بندد امر اهل‏بيت(ع) احيا مي‏شود.

با تأکيد بر اين نکته که مخاطب اصلي در احاديث ياد شده و معيارهاي‏مذکور شيعيان هستند، يعني کساني که پيرو ائمه هستند. کساني که پيرو آنان‏است به يقين جلسات خود را با معصيت و گفتگوهاي نادرست و اعمال نامشروع‏آلوده نمي‏سازند. و افرادي که فاسق و فاسدند و تنها شيعه نظري و عقيدتي‏هستند و نه شيعه عملي و رفتاري، از مدار اين بحث خارجند. پس بنابر آنچه که‏در دليل اول گفتيم مي‏توان نتيجه گرفت که چون ايام نوروز مخالف موازين‏اسلام نيست، نظر مثبت بر آن دارد.

دليل دوم: تثبيت سنّت ملّي‏

بدون شک نوروز سنتي از گذشتگان است و مخالف سنن الهي نيست ومهمتر آنکه داراي آثار و تبعات مثبت و اسلام پسند است و اسلام هرگز با آداب ورسوم و سنتهاي مردم مخالفتي ندارد بلکه با نظر به آثار مثبت آن مي‏توان گفت‏حفظ اين نوع سنّت‏ها، مطلوب و ممدوح اسلام است به دليل اين کلام اميرمؤمنان که فرمود:

وَلا تَنْقُضْ سُنَّةً عَمَلَ بِها صُدُور هذهِ الْاُمّةِ وَ اجْتَمَعَتْ بِهَا الْاُلْفَة وَ صَلُحَتْ عَلَيهَاالرَّحْمَةِ وَ لا تَحْدِثَنَّ سُنَّةً تَضُرُّ بِشَي‏ءٍ مَن ماضِي تِلکَ السُّنَنِ فَيَکُونَ الاَجْرُ لِمَنْ سَنَّهاوَالْوِزْرُ عَلَيْکَ بِما نَقَضت مِنْها.[11]

سنت پسنديده‏اي را بر هم مريز که بزرگان اين امت بدان رفتار نموده‏اند و به‏وسيله آن، مردم به هم پيوسته‏اند، و رعيّت با يکديگر سازش کرده‏اند؛ و سنتي مگذار،که چيزي از سنّت نيک گذشته را زيان رساند تا پاداش از آنِ سنّت‏گذار باشد و گناه‏شکستن آن بر تو ماند.

ما در اينجا به برخي از بازتاب‏هاي نوروز اشاره مي‏کنيم تا آن را با دستورات‏اسلامي تطبيق بدهيم:

3. بازتاب نوروز

عيد نوروز، بازتاب گسترده‏اي در جامعه دارد که به دو شکل ظاهر مي‏شودبازتاب منفي و بازتاب مثبت.

3 - 1. بازتاب‏هاي منفي‏

از آن‏ها مي‏توان به آفات و آسيبهاي اجتماعي نام برد. اين بازتابها به اختصار به‏قرار زير هستند:

- تعطيلي زياد در امور اداري، آموزشي، تربيتي و ارگانهاي عمومي کشور.

- بسترسازي قهري جهت گراني شديد و تورّم غير منتظره در سطح کشور.

- تمهيد مخارج تحميلي و هزينه مُسرفانه در امر معاش و رواج مُدپرستي‏در مسير زندگي مالي مردم.

- توديع ناگوار و آتشين با سال سپري شده در روز چهارشنبه آخر سال همراه‏با خطرات جاني و مالي.

- گرامي‏داشت روز سيزده بدر و ترک خانه‏ها در اين روز، به عنوان روز نحس وپناه بردن عده‏اي از مردم به دامن طبيعت.

- سفرهاي تحميلي و پرهزينه، در ابعاد شخصي و دولتي، سفرهاي ناشي ازتبليغات کاذب، و تأمين نيازهاي آنان در نقاط مختلف کشور و مأموريت سنگين‏و پرخرج راهنمايي و رانندگي و... .

3 - 2. بازتاب مثبت:

نوروز گرچه خاستگاه ديني ندارد ولي براساس خواسته فطري همراه بااعمال و مراسم دين‏پسند بوده و هست همانند:

- نظافت ملّي، و عمومي.

- ديد و بازديد و رفت و آمد بيشتر مردم به خانه همديگر.

- دادن عيدي به خويشاوندان نزديک.

- زيارت جمعي مزار درگذشتگان و گلزار شُهدا.

- ايجاد صلح آشتي ميان افرادي که از هم فاصله گرفته‏اند.

شايد گفته شود عيدي که همراه با آفات اجتماعي و مالي و امنيّتي است‏چگونه مي‏توان گفت مورد تأييد و تصويب اسلام است؟!

بازتابهاي سلبي و منفي نوروز جزو ماهيّت آن نيست بلکه از عوارض‏اختياري آن است. مردم و حکومت مي‏توانند با هماهنگي و سازماندهي‏سنجيده و با مديريت قوي، آن‏ها را برطرف سازند. در هر حال جزو لاينفک اين‏سنت ملي نيست تا مورد تصويب اسلام واقع نشود.

دليل سوم: روايات اهل بيت(ع)

رواياتي که درباره نوروز وارد شده بر دو دسته است:

دسته اول رواياتي که موافق نوروز است و آن را تأييد مي‏کند و دسته دوم‏مخالف آن است و به نوروز بها نمي‏دهد.

1. دسته اول‏

1/1 معلي بن خنيس از امام صادق(ع) ، روايتي را نقل کرده که در آن ضمن‏بزرگداشت نوروز، وقايع مختلف تاريخي بر نوروز منطبق شده است. ترجمه متن‏روايت ياد شده از اين قرار است:

(2) معلي بن خنيس گويد: در روز نوروز بر امام صادق عليه‏السلام وارد شدم،ايشان فرمودند که آيا اين روز را مي‏شناسي؟ عرض کردم: فدايت گردم اين روز،روزي است که غير عربها (ايرانيان) آن را گرامي داشته و به يکديگر هديه‏مي‏دهند، امام صادق، عليه‏السلام، فرمودند: قسم به خانه عتيقي که در مکه‏هست اين (تعظيم و هديه دادن) ريشه طولاني و قديمي دارد و براي تو آن راتوضيح مي‏دهم تا از آن مطلع شوي، گفتم: اي آقاي من چنانچه اين مطلب را ازشما بياموزم براي من بهتر از زنده شدن مردگانم و مردن دشمنان من است.حضرت فرمود: اي معلي! نوروز، روزي است که خداوند در آن از بندگان خويش‏ميثاق گرفت که جز او را عبادت و پرستش نکرده و به او شرک نورزند و به‏فرستادگان و پيامبرانش و نيز ائمه هدي ايمان بياورند. نوروز اولين روزي است‏که خورشيد در آن طلوع کرد و باد در آن وزيدن گرفت و در آن روز درخشندگي‏زمين خلق شد. نوروز روزي است که کشتي نوح بر کوه جودي کناره گرفت و نوروزروزي است که افرادي که از خانه‏هاي خود خارج شده و به آزمايش الهي از دنيارفتند، مجددا به دنيا بازگشتند. در اين نوروز است که جبرئيل بر پيامبر اکرم،صلي‏الله عليه وآله، نازل شد و درست در همين روز است که پيامبر اسلام،حضرت علي را بر شانه خود گذاشت تا او بتهاي قريش را از بيت الحرام پايين‏کشيد و آنها را در هم شکست.

نوروز روزي است که پيامبر به اصحابش دستور داد تا در مورد خلافت وولايت مؤمنان با حضرت علي عليه‏اسلام بيعت کنند و در همين نوروز بود که‏پيامبر، صلي الله عليه وآله، علي، عليه‏السلام، را به سوي جنيان فرستاد تا براي‏او از آنان بيعت بگيرد.

نوروز روزي است که براي حضرت علي بيعت مجدد گرفته شد و نوروز روزي‏است که حضرت علي، عليه‏السلام، بر اهل نهروان پيروز شد و ذوالثديه را کشت ونوروز روزي است که قائم ما در آن روز ظاهر مي‏گردد و بالاخره نوروز روزي است‏که قائم ما در اين روز بر دجال پيروز مي‏شود و او را بر زباله‏دان کوفه آويزان‏مي‏کندو هيچ نوروزي نيست مگر آن‏که ما در آن روز توقع ظهور حضرت حجت،عجل‏الله تعالي فرجه الشريف، را داريم چرا که اين روز، از روزهاي ما و شيعيان مااست که عجم (ايرانيان) آن را گرامي داشته ولي شما آن را ضايع نموديد....[12]

گرچه اين حديث سزاوار تفسير و توجيه و توضيح زيادي است ولي ما به‏رعايت اختصار صرف نظر مي‏کنيم.

1/2. امام صادق(ع) فرمود:

إذا کانَ يَوْمُ النَّيْرُوزِ، فَاغْتَسِلْ وَاَلْبِسْ اَنْظَفَ ثِيابِکَ وَ تَطَتَبْ طِيبَکَ وَ تَکون ذلِکَ‏الْيَوْمَ صائِماً.[13]

هرگاه عيد نوروز فرا رسيد، غُسل بکن و تميزترين لباسهايت را بپوش و بهترين‏عطرهايت را استعمال کن، و اين روز را روزه بدار.

روزي براي علي(ع) فالوده هديه آوردند، فرمود:

ما هذا؟ قالوا: يَوْمُ نَيْرُوز، قال(ع) فَنَيْرِزُوا اِنْ قَدَرْتُمْ کُلَّ يَوْمٍ يَعْني تَهادُواوَ تَواصَلُوا فِي اللّهِ.[14]

اين چيست؟ گفتند امروز، نوروز است. فرمود اگر مي‏توانيد هر روز را نوروز سازيد.(يعني به خاطر خداوند، به همديگر هديه بدهيد و به ديدار يکديگر برويد.)

1/3. (عيد نوروز، هديه‏اي خدمت اميرالمؤمنين(ع) آوردند: حضرت‏پرسيد اين چيست؟ عرض کردند: اي اميرالمؤمنين! امروز نوروز است امام‏عليه‏السلام فرمود:

اِصْنَعُوا لَنا کُلَّ يَوْمٍ نَيْرُوزاً.[15]

هر روزمان را نوروز کنيد.

با دقت در دلالت و محتواي اين روايات مي‏توان گفت که اسلام مخالفت ندارد که‏قومي اول بهار را به عنوان عيد اعلام نموده و در برنامه زندگي خود، تجديد نظرکرده و تغييراتي ايجاد کنند.

افزون بر اين احاديث، در راستاي گراميداشت نوروز، از پيشوايان ديني،دستورالعمل‏هايي صادر شده است که به نوبه خود، مُشعر بر مشروعيّت ورسميّت عيد نوروز، از منظر اهل بيت عليهم‏السلام است از جمله آنهادستورالعملي است از شيخ صدوق (م 460 ق) که در کتاب (مصباح‏المتهجّد) آورده است:

امام صادق(ع) فرمود: هنگامي که نوروز شد، غسل کن و لباس پاکيزه‏بپوش و خودت را خوشبو ساز و آن روز را نوروز بدار، هنگامي که نماز ظهر و عصرو نافله‏هاي آن را به جاي آوردي چهار رکعت نماز بگزار، که در رکعت اول، سوره‏حمد و ده مرتبه سوره قدر را بخوان، در رکعت دوم سوره حمد، و ده مرتبه سوره‏کافرون را بخوان، در رکعت سوم پس از حمد ده مرتبه سوره توحيد و در رکعت‏چهارم سوره حمد را با سوره‏هاي فلق و ناس قرائت کن. پس از نماز، سجده شکربه جاي آور و دست به دعا بردار.[16]

پذيرش و نقل اين دستورالعملها، آن هم از شخصيّتي همانند شيخ طوسي،حکايت از اهميّت نوروز در پيشگاه اهل بيت(ع) مي‏کند.

2. دسته دوم رواياتي که مخالف نوروز است از جمله: حديثي از امام موسي‏بن جعفر (عليهما السلام) است: نقل شده است که منصور از موسي بن‏جعفر(ع) تقاضا کرد که در روز نوروز در خانه خود بنشيند، تا مردم براي‏تبريک گويي پيش ايشان روند و هدايايي که برايش مي‏برند نيز بپذيرد.امام(ع) فرمود:

اِنّي قِدْ فَتَّشْتُ الاَخْبارَ عَنْ جَدّي رَسُولِ اللّهِ فَلَمْ أجِدْ لِهذَا الْعَبْدِ خَبْراً وَ اِنَّهُ سُنَّةُالفُرُسِ وَ مَحاهَا الْاِسْلام، وَ مَعاذَ اللّهِ اَنْ نُحيِيَ ما مَحاهَا الاسلامُ.[17]

من در اخبار جَدّم پيامبر خدا صلي الله عليه وآله جستجو کردم، اما براي اين روز،خبري پيدا نکردم، نوروز سنّت ايرانيان است و اسلام آن را منسوخ کرده است پناه به‏خدا از اين که ما چيزي زنده کنيم که اسلام از بين برده است.

منصور گفت: ما اين کار را فقط براي نظاميان انجام مي‏دهيم (و يک سياست‏لشکري است) [18] بنابراين تو را به خداي بزرگ سوگند مي‏دهم که جلوس کني،حضرت پذيرفت و جلوس فرمود.

اين حديث با حديث معلي بن خنيس ناسازگار است و نشان مي‏دهد که نوروزاعتبار شرعي ندارد، پس بين اين دو حديث چگونه مي‏توان صلح ثمربخش‏ايجاد کرد؟! در جواب بايد گفت: اين خبر طبق تصريح علامه مجلسي(ع) ازنظر سند ضعيف است و چندان شهرتي ندارد. ولي خبر معلّي از امام‏صادق(ع) سندش قوي‏تر و شُهرتش در ميان اصحاب، بيشتر است.[19]

ثانياً اين حديث را مي‏توان حمل بر تقيّه نمود.

ثالثاً کيفيت صدور و متن و محتوا و سياق و لحن، حديث با شيوه گفتار وفصاحت و بلاغت امامان(ع) هماهنگي ندارد. زيرا نوعاً ائمّه(ع) براي‏نفي يک مقوله جعلي از تعاليم اسلامي با اين لحن و آهنگ سخن نمي‏گفتند.براي نمونه در اين حديث از قول امام(ع) مي‏گويد من در اخبار جدم تفتيش‏و جستجو کردم و خبري در تأييد آن نيافتم.

امام معصوم در موارد مشابه از کلمه (فتَّشْتُ) استفاده نمي‏کند. چون‏تفتيش بار منفي دارد نه بار مثبت. ثانياً، ائمه تعاليم خود را منحصر به رسول‏خدا نمي‏کردند و نقش آموزشي پدران معصوم خود را نيز در احاديثي که نقل‏مي‏کنند ناديده نمي‏گرفتند بلکه آنان را در تعاليم مکتبي پيامبر اسلام سهيم‏مي‏دانستند از اين رو امام(ع) در اين حديث قاعدتاً بايد مي‏فرمود: من درتعاليم رسول خدا و پدران خود در اين مورد چيزي نيافتم.

ثالثاً لازم نيست امام معصوم(ع) در نفي و اثبات يک مقوله ديني، حتماً به‏نياکان معصوم خود تکيه زند زيرا هر يک از ائمّه(ع) علم لدني دارند و مي‏توانندمستقيماً خير را نفي يا اثبات کند.

در مجموع اين نوع تکلم بيشتر شبيه يک عالم و فقيه است، نه امام‏معصوم(ع) و اين خود مؤيّد ضعيف بودن حديث و احتمال جعلي بودن آن‏است.

وظايف ما در مورد نوروز

در پايان به اختصار به تکاليف ديني مردم به ويژه افراد نُخبه و اثرگذار در ارتباطبا نوروز اشاره کنيم:

- تفکر در آيات هستي.

- تعديل تعطيلات در مراکز آموزشي و... .

- حذف رسومات بدآموز و ضد ارزش همانند آتش‏بازي و... .

- اعتلاي فرهنگ عمومي و مذهبي مردم در مورد خريدهاي غير ضرور وپرهيز از مدگرايي و تبديل و تغيير دکور و...